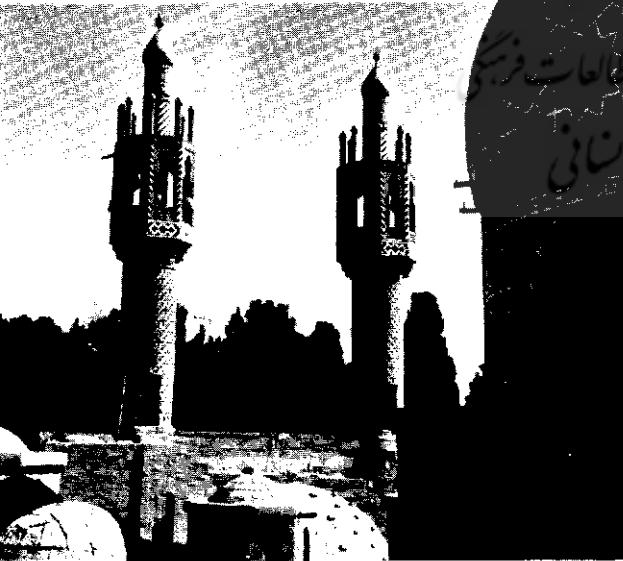


معماری مساجد ایران راهی بسوی ملکوت

مهندس کریم پیرنیا



اول بار که رسول خدا(ص) پا به مدینه گذاشت. مسجد نخستین، مسجدی بود بسیار ساده و ملامت از روحانیت و صفاء، اصحاب پیامبر سنگهای بزرگ را می شکستند، سنگ لاشه تهیه می کردند، بدست حضرت می دادند و پیامبر خدا(ص) بادستهای خود سنگها را روی هم قرار می داد و بدین ترتیب یک چهار دیواری ساده که ارتفاع دیوارهایش به اندازه قد یک انسان معمولی بود یا کمی بیشتر باسنگ لاشه معمولی و بدون ملاط با تلاش رسول خدا(ص) و اصحاب ساخته شد. مسجدی در محوطه ای نزدیک به ۷/۵ در ۸/۵ متر.

این مسجد در مواقع عادی نیازی نداشت که سر پوشیده باشد، مگر در سرمای زمستان و یادر داغی آفتاب تابستان، در این مواقع سقف مسجد را می پوشانیدند، با حصیر و یا پوست چهار پایان. بدیهی است پوشش محوطه ای ۷-۸ متری به سادگی انجام پذیر نبود هم بدین دلیل تنه خشک نخلی یافتند و در وسط محوطه گذاشتند تا حافظ و نگاهدارنده پوشش سقف باشد. پیامبر خدا(ص) اغلب به هنگام ارشاد اصحاب بعد از اقامه نماز به این ستون تکیه می داد، اما بعدها که منبری به مسجد آوردند حضرت دیگر به ستون تکیه نداد، ستون در دوری پیغمبر نالید که در تاریخ بنام ستون حنانه، عمود حنانه، ستون نالنده معروف گشت. شاید پاره ای حیرت کنند که چگونه چوب و سنگ می توانند ناله کنند. پاسخ این است که از دیدگاه عرفانی بسیار روشن و واضح است، خانه ای در دوری کسی که سالها در آن زندگی کرده و با آن خانه مأنوس بوده، روجه خرابی و مرگ می رود، پا به خانه که می گذاری، انگار کماندر و دیوار آدم می پرد.

این ستون وسط مسجد، برای آن بود که فرسی روی آن بیاندازند و از دو طرف بتوانند با تیرک های کوچک تری روی آنرا با حصیر یا پوست شتر و گوسفند بپوشانند، آنهم برای مواقعی که لزوم داشت مسجد سر پوشیده باشد چه در مواقع غیر ضرور مسجد همچنان بدون پوشش می ماند. معماری نخستین مسجد اینچنین شکل گرفت. مدت زمانی بعد در کنار مسجد محوطه ای را صاف و هموار

کردند تا وقتی جمعیت زیاد می شد بتوانند در آن محوطه جای گیرند، که بعداً حیاط مسجد جای آنرا گرفت.

از سوی دیگر عده ای از اصحاب پیامبر که تحمل دوری رسول خدا (ص) را نداشتند و دوست داشتند همگام در کنار پیامبر باشند، مجاور مسجد اقامت کنند، برای آنان نیز مکان سر پوشیده ای مجاور مسجد ساختند که به آن «صفه» می گفتند، «صفه» معرب «چفته» است بمعنی مکانی سر پوشیده وطاق دار، که هنوز هم به این گونه سر پوشیده ها در خراسان «چفته» می گویند، در این مکان اصحاب مستمند، یاران پاک باخته و باخلوص پیامبر خدا (ص) سکونت گزیدند، آنان هیچ نداشتند جز عشق به خدا و رسول خدا و «صفه» جایگاه چنین یاران بالیامانی شد.

«صفه» بعداً مورد تقلید قرار گرفت بویژه در ساختمان مساجد اسلامی ایران، چندانکه مشاهده می شود اغلب مساجد، در اطراف سایه بانها و سر پوشیده هائی دار هستند یا بصورت ایوان و یا «گزنج» هائی که طاق نماهای سایه داری است و یارواق هائی که دور تا دور مسجد می گردد، که دقیقاً مایه از بنای نخستین مسجدی نبی گرفته است مسجد نبی در اوائل ظهور اسلام در ایران به جاوشایسته مورد تقلید قرار گرفت که نمونه جالب آن مسجد جامع فهرج است که در قرن اول هجری در ایران بنا گردید، بامداد از تجارب معماری کهن این سرزمین و طرح مسجد نبی. این مسجد دارای شبستانی است به طرف قبله و سر پوشیده هائی در اطراف. حیاط بسیار ساده و کوچکی دارد و با وجودی که هیچ تزئینی ندارد در ردیف یکی از بهترین نمونه های مساجد قرن نخست هجری در ایران است.

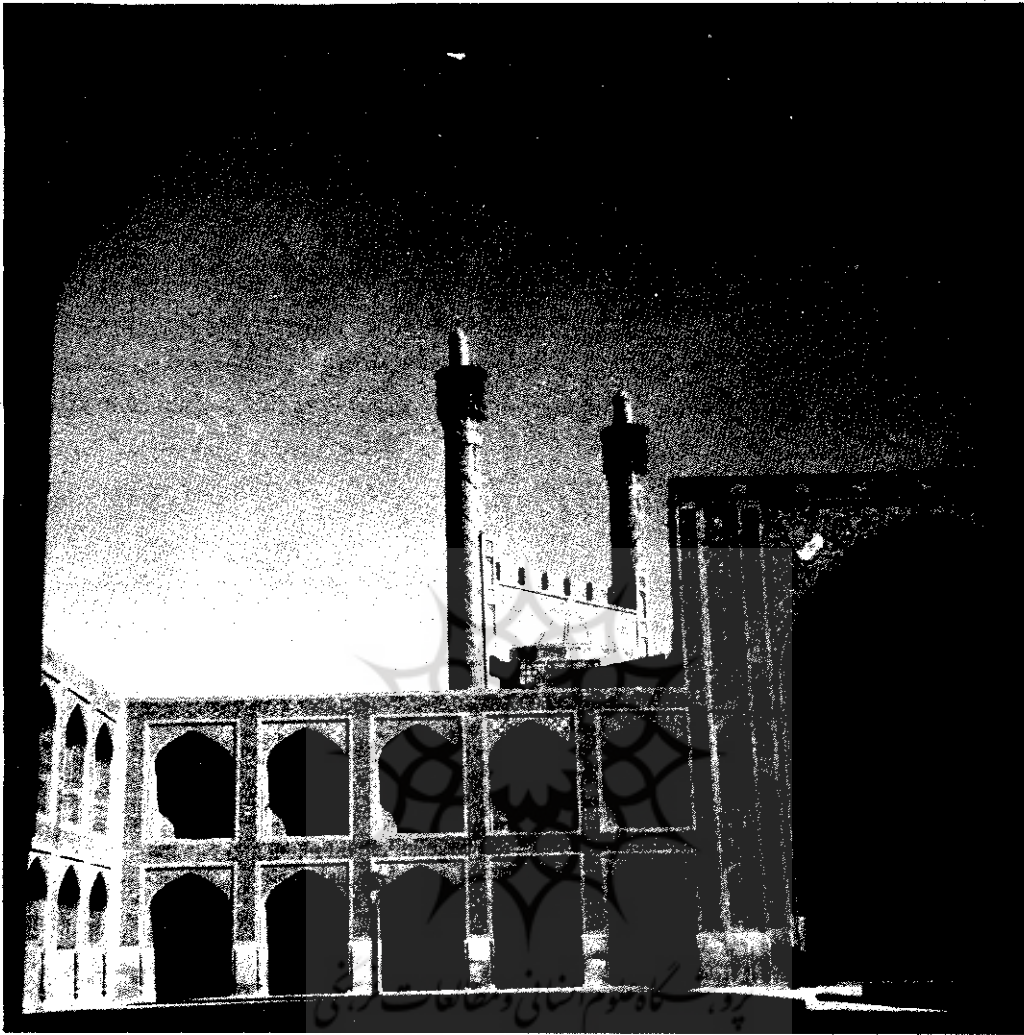
بعد از جامع فهرج می بایست نامی از «تاری خانه» دامغان برد که کمی مفصل تر است که تنها دلیل آن نیازی است که به اماکن وسیع تر برای اقامه نماز احساس می شده است. ناگفته نباید گذاشت که مسلمین برای اقامه نماز جمعه و نماز دوعید بزرگ ناگزیر بودند از محل های سر باز استفاده کنند، چون

امکان بنای سر پوشیده هائی در اماکن وسیع و گسترده وجود نداشت.

در ابتدای ظهور اسلام در ایران، ایرانیان مسلمان هیچ اشکالی ندیدند که نماز را در معابد نیاکان خود که خدارا بنام دیگری پرستش می کردند برگزار کنند، بدین دلیل بسرعت معابد را تعمیر کردند و یا اگر خراب نشده بود تغییراتی در آنها دادند و آماده اش ساختند برای مسجد و عبادت خدا.

این تغییر و تحولات به گونه های مختلف انجام یافت، یکی همانند مساجد چهارطاقی مثل مسجد یزد خواست، که یکی چهارطاقی بوده و آتشکده ای داشته است در بالا مسلمانان ایرانی ابتداء یوار رو به قبله این چهارطاقی را بستند و در آن محراب را بر پاسا ساختند و سایر قسمت های چهارطاقی را نگاه داشتند، مثل حیاط، اطاق خادم و بعد قسمت هائی به آن اضافه کردند، با تأسف قسمت های مهم و عمده این بنا هم اینک از میان رفته است. اما مدارک و طرح و نقشه اش در کتابهای مختلف و مهم تر در کتاب «سیرد» باقی مانده است.

در سایر جاها ایوان های بزرگی که دارای طاق و سایه بان بود و همانگونه که یاد شد به آن چفته می گفتند و هیچ در و پنجره ای نداشت و تنها سر پوشیده هائی بود برای جلوگیری از باد و باران و آفتاب و نمونه های زیادی از آنها در خراسان و فارس یافت می شود تبدیل به مسجد شد، که از آن جمله می توان از مسجد «فردوس» نام برد که هنوز در گاه قدیمی آن که بصورت محراب نگاه داشته شده و کمی نسبت به قبله انحراف دارد باقی است. و مسجد نی ریز که اگر چه بنائی قدیمی نیست اما طرح آن از مساجد اولیه گرفته شده که ایوانی دارد بسیار ساده رو به قبله و یا مسجد علی شاه یازک علی شاه در تبریز که ایوان بزرگی داشته مسقف و یکی از بزرگترین مسقف ها در معماری اسلامی ایران به شمار می رود. تاج الدین علی شاه خود معمار بود و وقتی قصد کرد این مسجد را بسازد، دستور داد دهانه آنرا تا آنجا که ممکن بوده است زیاد بگیرند پس از بزرگترین دهانه در معماری زمانش می پرسد، در پاسخ به او می گویند بزرگترین دهانه



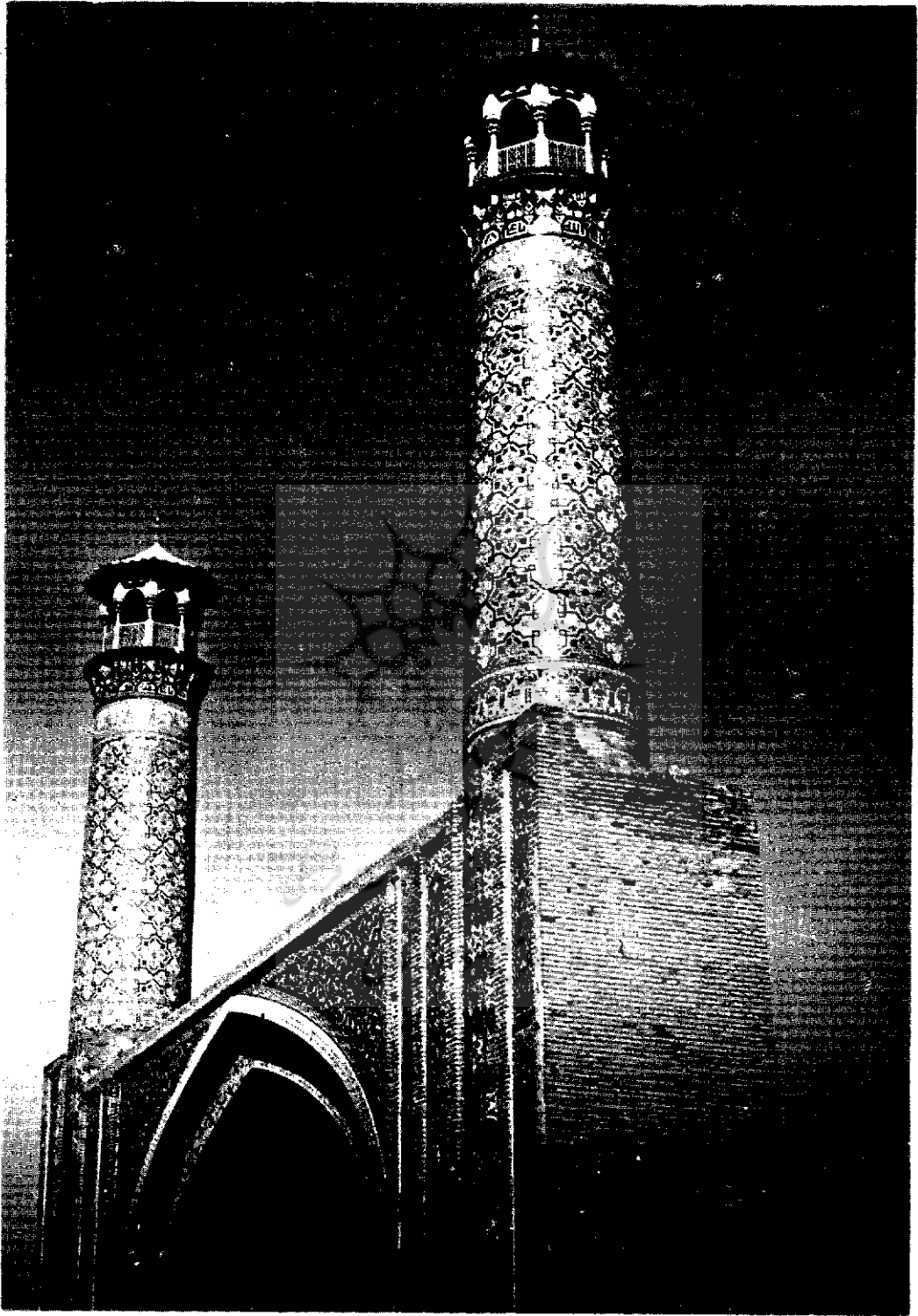
و آزادی باشد در قرن هشتم بنائی بر پامی شود با آن عظمت اما بی هیچ درو پنجره ای با ارتفاعی در حدود ۴۵ یا ۴۶ متر با طاقهایی در دو طرف محراب باد و دهانه بزرگ، تنها برای آنکه آفتاب در ایام زمستان بتواند به داخل بتابد. این شیوه در آذربایجان مورد تقلید قرار می گیرد و اغلب مساجد به همین شیوه ساخته می شوند در اندازه های کوچکتر همانند مساجد میناب، مراغه، ملارستم، مهرآباد و بسیار نمونه های دیگر که محراب در وسط قرار می گیرد و در دو طرف دودرگاه بدون پنجره ساخته می شود. اما ساده تر از این گونه مساجد، مساجد شبستانی است که

دهانه دژطاق کسری است که ۲۴ گزی یعنی ۲۵ متر و خرده ای است، می گوید پس چهار گز دهانه مسجد را زیاد تر بگیری، می گویند امکان ندارد، می گوید چگونه است آنان که مسلمان نبودند ساختند و ما که مسلمان هستیم نتوانیم بسازیم، پس دهانه ای اینچنین بزرگ و بی همانند در نظر گرفته می شود که بعد از تمام بنا حیرت همگان را برمی انگیزد دهانه ای در حدود ۲۸ گز ۳۰ متر در ۳۰ متر و خرده ای که با تأسف سقف بنا در همان زمان فروری ریزد، منظور این است که در هوای سرد آذربایجان، بدلیل آنکه می باید مسجد جای بی تکلف



برخلاف معماری در شرق و غرب ایران که معماری بزون گراست و به گونه ای قفس گشاده می توان از شبکه های آن اطراف را تماشا کرد، معماری درون گرا به حل چنین مشکلی در مناطق خشک پرداخته است. بطورمثال اگر می خواستند در منطقه ای همانند ماهان کرمان، در آن بیابان خشک بنائی برون گرا ایجاد کنند و در اطراف باغ و سبزه بر پا نمایند تا چه اندازه مشکل ایجاد می شد و به عبارتی دیگر ناممکن بنظر می رسید اینچنین است که با ایجاد منظره ای دست ساز در وسط بنا در آن بیابان خشک، بنای

در ایران دارای سابقه ای کهن است. تردیدی نیست که معماری ایران، معماری درون گراست، آنهم بدلیل شرایط جغرافیائی، بویژه در مناطقی که مناظر طبیعی وجود نداشته و پادهای نامناسب زیاد بوده، برای حفظ آب و درخت و گل، چون قادر نبوده اند محوطه ای وسیع را سبز و خرم نگاه دارند، همانند ایجاد جنگلی مصنوعی در امروز که تجربه چندان موفقی نیز به شمار نمی رود، کار را برعکس می کردند، بدین ترتیب که با ایجاد یک منظره دست ساز و برپائی بنا دور تا دور این منظره دست ساز یک آغوش گرم و بسته ایجاد می کردند،



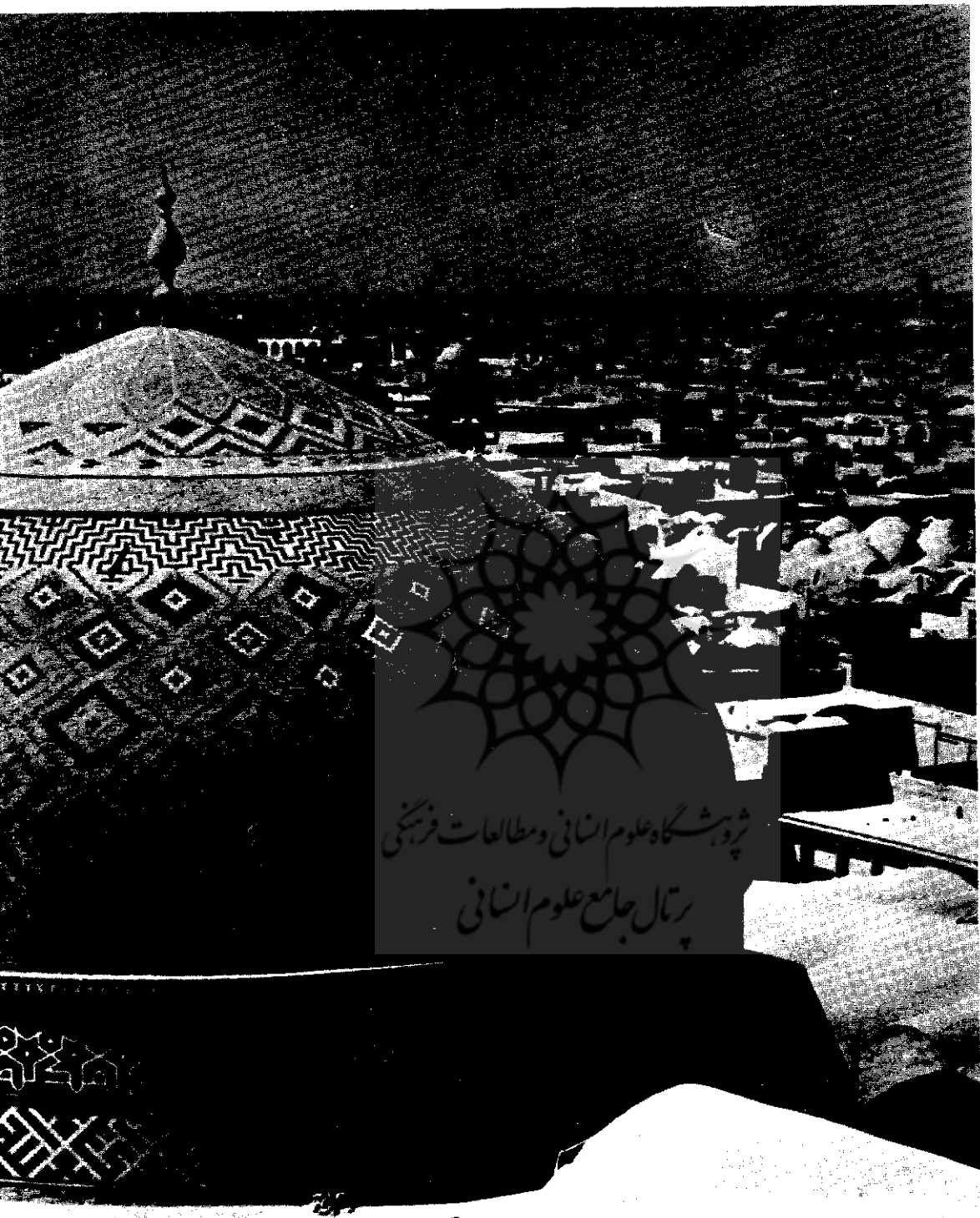
شاه نعمت‌اله ولی را بر پاساختند، با آن همه موفقیت و زیبایی و نه تنها بدلیل زیبایی که دلیل ایجاد سایه، جلوگیری از بادهای نامناسب و راحتی و آسایش.

معماری اغلب مساجد در این مناطق، معماری درون‌گراست، این شیوه از معماری در زمانهای بعد در ایران رایج و متداول گشت. برخی اندیشه می‌کنند که بعد از ظهور اسلام بدلیل حفظ حجاب و رعایت موازین اسلامی، معماری درون‌گرا رایج گردید در صورتی که این گونه معماری در ایران سابق کهن دارد، معماری تخت‌جمشید درون‌گراست، حیاطی است که اطراف آن سر پوشیده‌هائی بر پاشده، بناهای اشکانی و ساسانی نیز بدین گونه است، حتی بناهائی که در وسط باغی بر پا شده‌اند شیوه درون‌گرا دارند، همانند کاخ ساسانی سرستان در قاریس با آنکه این بنا ابتدا در مرکز باغی وسیع بر پاشده دارای حیاط بسته‌ای است که اطراف آن اطفاهائی روبه حیاط ساخته شده است. و بسیار نمونه‌های دیگر در باغ‌های دیگر که تا قرن پیش ساخته شده این شیوه از معماری رعایت شده است، مثل باغ ارم شیراز که پشت بنا حیاطی است که زندگی خصوصی با وجودی که مناظر باغ دیده میشود حفظ شده است، و یا باغ مزار کاشان که معماری داخل باغ کاملاً درون‌گراست که با تأسف سالها پیش اداره اوقاف حیاط بنا را از میان برد.

این درون‌گرایی در معماری مسجد و مدرسه و کاروانسرا به گونه‌ای جدی و پی‌گیر دنبال می‌گردد که در نوع خود نعمت بزرگی به شمار می‌رود. بطور مثال در معماری مدارس قدیمی که یک معماری درون‌گراست باید دید، چه امتیازاتی وجود دارد، عده‌ای طلبه در محیطی می‌خوانند درس بخوانند، جائی آرام می‌خواهند، در ضمن محیطی لازم دارند که بتوانند بایکدیگر ارتباط داشته باشند بحث و مجادله کنند، پس مناسب‌ترین نوع معماری در رابطه با نیازهای یاد شده در معماری مدارس قدیمی به مورد اجرا درمی‌آید، معماری پرارزشی همانند مدرسه خان شیراز، در اطراف یک حیاط مصفا و زیبا، حجره‌ها و ایوانهائی بر پامی‌گردد

طلاب در صفا‌های جلوحجره‌هایشان بایکدیگر به بحث و درس می‌پردازند، زندگی خصوصی آنها نیز داخل اطفاه‌هایشان حفظ می‌شود، در اطراف بنای مدرسه باغ بزرگی احداث می‌شود که طلاب در قسمت نیم طبقه کمر پوشی که مخصوص خواب و مطالعه آنها ساخته شده با استفاده از پنجره‌ای که به روبه باغ باز می‌شود و پنجره‌ای که به داخل حجره هم از منظره باغ استفاده می‌کنند و هم زندگی خصوصی اشان حفظ می‌شود کارماهرانه و زیبایی که بی‌تردید باید درباره آن کتابی خاص نوشت این درون‌گرایی در معماری مساجد اولیه شبستانی این سرزمین با سادگی و زیبایی چشمگیری رایج گردید.

۳- بسط و گسترش بنای مساجد اسلامی ایران مربوط به زمان ابو مسلم خراسانی می‌شود، بعد از قیام ابو مسلم وی دستور داد تا در تمام شهرهای بزرگ ایران حتی شهرهای کوچکی همانند نائین که در آن موقع شهر بزرگی محسوب می‌گردید مساجد بزرگی بنا کنند، از آن جمله آمده است که در نیشابور مسجدی بنا گردید که هشت جریب زیر بنا بوده، که شش هزار نفر زیر آن نماز می‌گزارند که اغراق بنظر می‌رسد، زیرا با توجه به ستون‌هائی که برای نگاهداشتن پوشش چنین فضای گسترده‌ای لازم بود ۳ گزدر ۳ گز و یک متر پایه داشته، بنائی عجیب و غریب بنظر می‌رسد، یک شهر می‌شود، حتی اگر شش هزار نفر نبودند و ششصد نفر بودند باز هم ممکن نبوده است، محوطه‌ای بزرگ چنین بر پا نمایند، با این حال نمونه‌های بسیاری از مساجد زمان او را می‌شود نام برد، مثل مسجد جامع ساوه، مسجد جامع یزد که باز با تأسف و یران شده ولی خوشبختانه «سیرو» طرح جامع و کامل آنرا در کتابش ارایه کرده است که شامل حیاط میانی، یک شبستان سه دهانه در یک سوی شبستان سه دهانه در سوی دیگر و در میانه مسجد نیز یکسر دهانه کمی بزرگتر از سردخانه طرفین که در آن محراب قرار گرفته بوده است و روبروی صفا و ایوان بزرگ در ورودی قرار داشته است، طرحی کاملاً همانند مسجد جامع

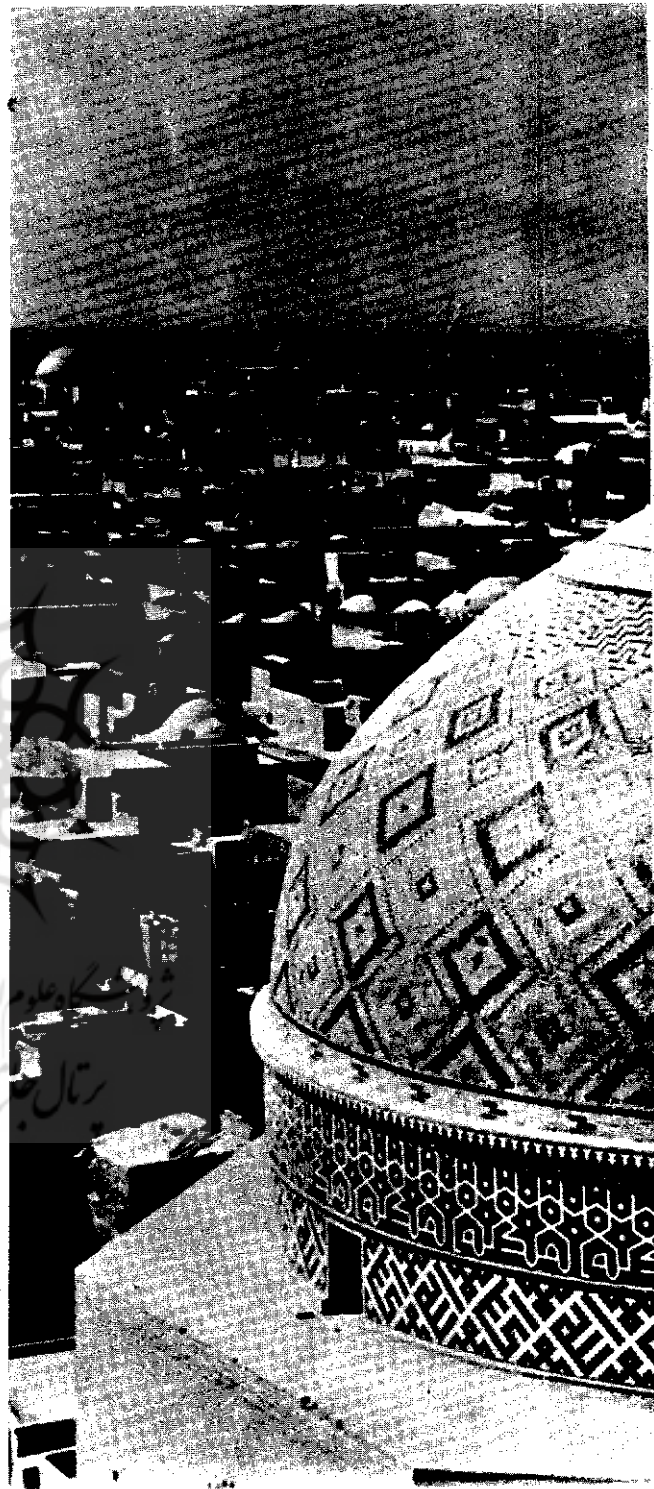


پرو، بشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اصفهان که هم اینک نیز وجود دارد. یا مسجد جامع ابرق که بسیار تا امروز خوب مانده، هر چند این مسجد را کمر پوش کرده‌اند و دوطبقه‌اش ساخته‌اند اما پایه‌های خشتی مسجد هنوز باقی است و ایوانی که محراب در آن بوده و با وجودی که شبستان بزرگ پشت آن بنا گردیده اما دهانه‌ای که بازمی‌شود به شبستان همان دهانه ایوان قدیمی است. این گونه مساجد شبستانی که در اغلب شهرهای ایران بر پا گردیده دارای شیوه‌ای ساده و زیباست و هم اینک نیز چند نمونه از این مساجد را با تمامی الحاقاتی که در دوره‌های بعد دارا شده باز از ورای معماری آن می‌توان به چگونگی معماری مساجد شبستانی در این سرزمین راه یافت.

مساجد شبستان در ابتدا منحصر به دایوان بوده، ایوان ورودی و ایوان اصلی که محراب در آن قرار داشته و در محور مسجد بنا می‌شده به همین دلیل استدلال آنانی که می‌گویند در قرن ششم زمان سلجوقیان مساجد چهار ایوانی شده است، بی پایه و منطق است، چرا که مادر هر زمان مساجد دایوانی داشته‌ایم، سه ایوانی داشته‌ایم و نیز چهار ایوانی و حتی یک ایوانی به این ترتیب که همه گاه ایوانی که در محور بوده، دارای دهانه‌ای بزرگ‌تر از سایر دهانه‌های ایوانهای طرفین بوده، شیوه‌ای که حتی در شبستان‌های کاخ شوش نیز دنبال شده است، تنها یکنواختی را در تخت جمشید می‌شود دید ولی در سایر بناهای تاریخی ایران رعایت این شیوه را آشکارا می‌توان دید.

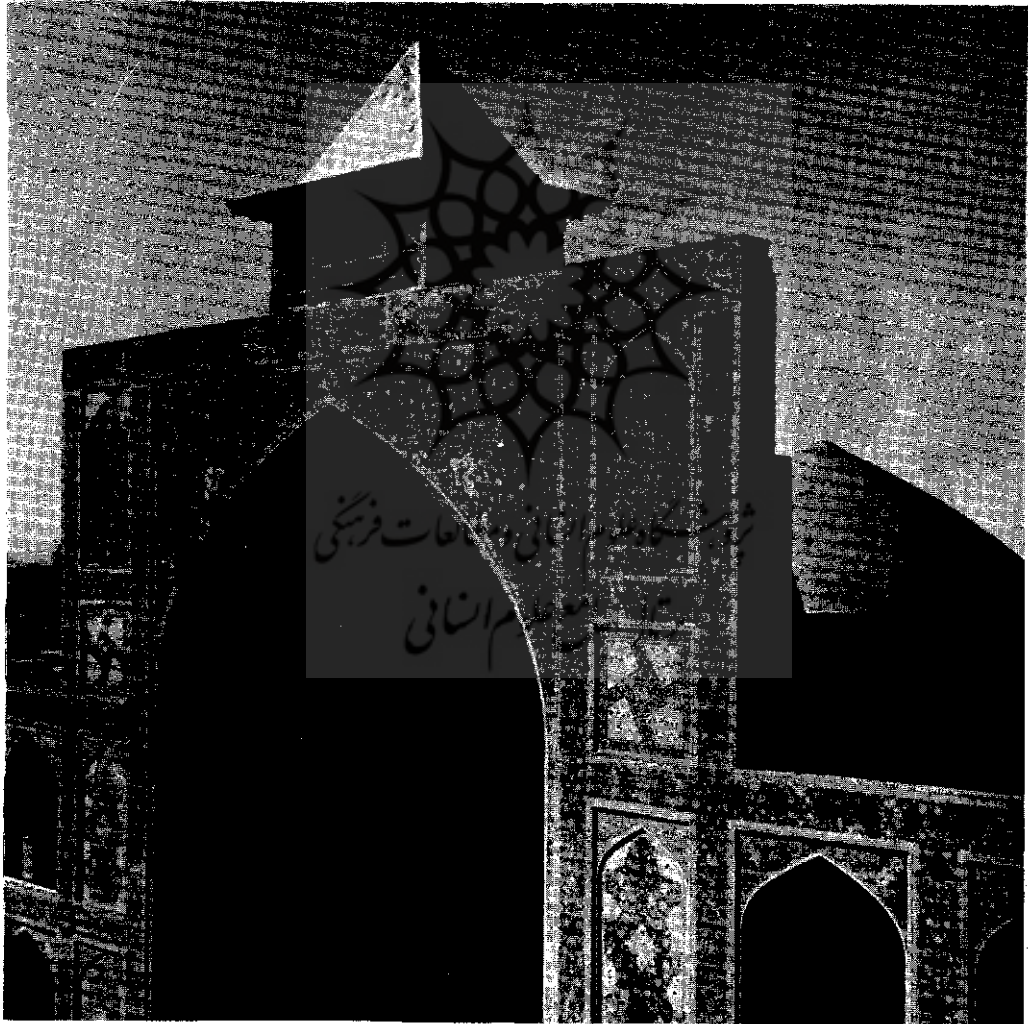
در مساجد شبستان ایران پوشش مسقف‌ها گاه باطاق بوده و گاه با چوب پوشش می‌شده، به مرور زمان تغییرات تازه‌ای در ساختمان مساجد داده می‌شود از جمله بنای گنبد که وارد مساجد می‌شود. در مسجد جامع اصفهان زمان سلجوقی خواجه نظام الملک چند دهانه وسط را خراب می‌کند و بجایش گنبد می‌سازد و بروی ایوان بزرگ «صفه صاحب» که مربوط به زمان صاحب بن عباد است که البته حالا دهانه آن خیلی بزرگتر شده چرا که دهانه‌های اطراف را برداشته‌اند و در دهانه اصلی ادغام کرده‌اند ولی صفه مقابل، صفه درویش همچنان



در اندازه اولیه اش باقی مانده است.

شده است. عده‌ای معتقدند که در محل بنای جامع
بروجرد قبل از بنای مسجد جامع آتشکده‌ای وجود داشته
اما مطالعات بعدی نشان می‌دهد که در زمان بنای مسجد
جامع بروجرد بنائنی وجود نداشته و تنها با استفاده از
مصالح یک بنای تخریب شده مسجد را بر پا کرده‌اند.
در این گونه معماری مساجد که عبارت از یک گنبد
بسیک دهانه بزرگ در وسط و دودخانه کوچک‌تر
در دو طرف بوده است همه گاه جهت قبله بسته
می‌شده است، از این گونه مساجد می‌توان از مسجد
گلپایگان یاد کرد با گلدسته‌ای که در کنارش ساخته‌اند

گنبد اینچنین وارد مسجد می‌شود، بعضی مساجد
را حتی به شیوه چهارطاقی و گنبدی ساختند، مثل مسجد
جامع بروجرد که ابودلف جلی در زمان بنی عباس،
هارون، مامون و معتصم وقتی حاکم منطقه «کره» که به
زلف آباد مشهد امروز مشهور است به شخصی بنام
«همونی» که اهل محل به او «همومی» می‌گویند و از
سوی اجلی‌ها حاکم بروجرد بوده از سوی اجلی‌ها مامور
بنای حاجی در شهر بروجرد می‌شود نام این شخص
در کتیبه‌ای که سالها پیش در مسجد پیدا شد خوانده



و یادوازده امام یزد که هر چند مسجد نیست ولی مکان مقدسی است که در آن نماز می خوانند یا مسجد جامع بروجرود و یا مدرسه حیدریه قزوین که عیناً همین طرح را می بینیم، یعنی گنبدی بایک دهانه بزرگ در وسط و دودخانه کوچک در دو طرف بارواقی هائی دور تا دور حیاط مسجد که شاید چون مدرسه بوده است حجره هائی پشت آن بر پا بوده که امروز ویران شده است.

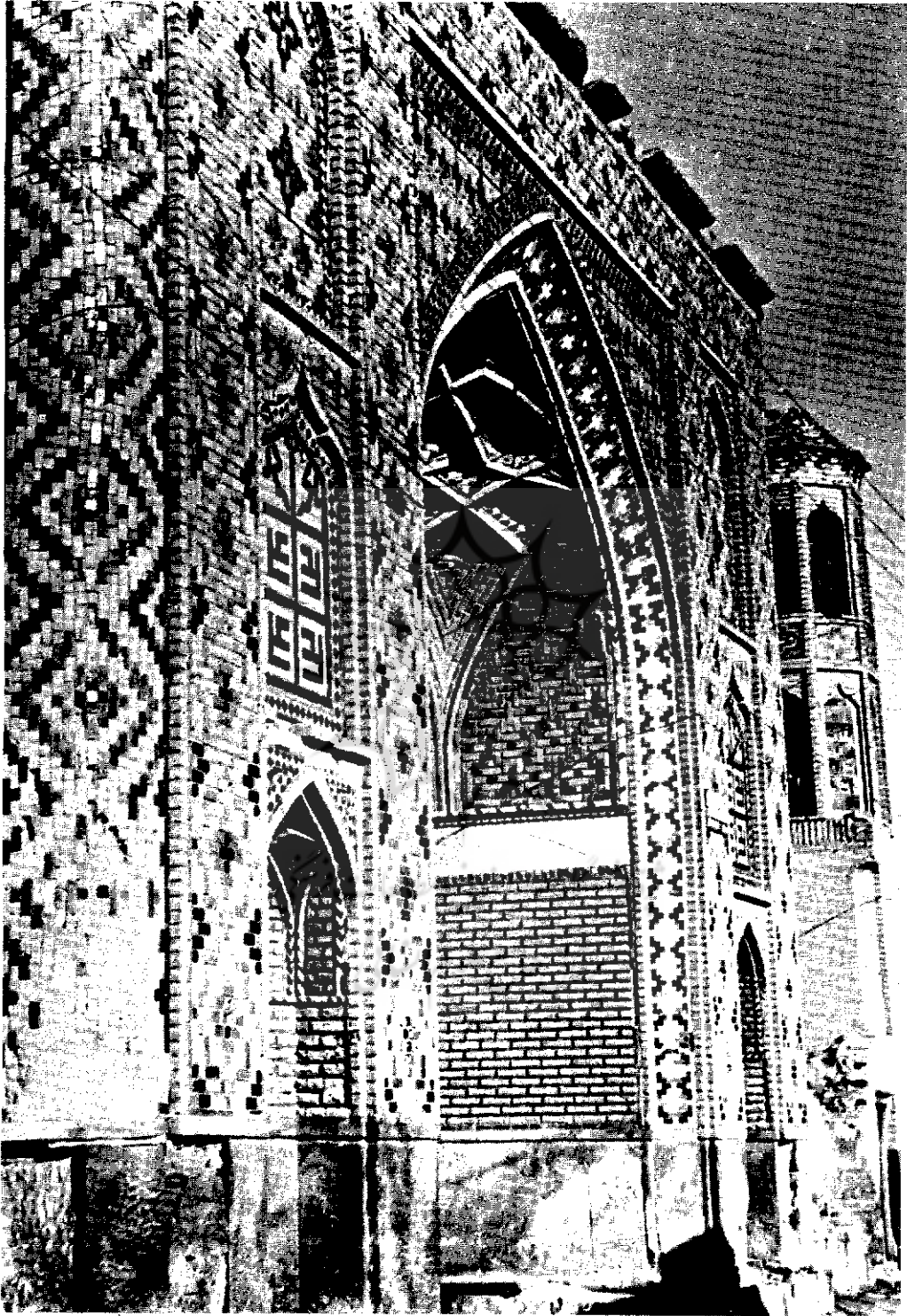
گنبد ابتدا بصورت آزاد یا منفرد خود، مسجدی مستقل بوده و یا بصورت مسجد جامع اصفهان در مسجد ترکیب شده آنهم ابتدا بصورت آزاد بدین ترتیب که چند دهانه

را خراب می کردند و گنبد را می ساختند و بعد از ایوان وارد گنبد می شدند، در زمانهای بعد گنبد را به مسجد متصل کردند، در قرن هشتم شبستان ها بازدن چند طاق به گنبد متصل شدند و گنبد در وسط شبستان قرار گرفت.

در بعضی از مساجد همانند مسجد جامع زواره که گذار معتقد است از ابتدا چهار ایوانی بوده است و دقت در شکل معماری نخستین مسجد نداشته است که رو بروی گنبد مسجدی کشید و تنبی وار بوده که از یک طرف آن وارد می شدند و از طرف دیگر خارج و سقف موازی با طول مسجد وصف نماز پوشش شده، نمونه زنده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



این نوع از معماری مساجد گنبدوار شبستانی هم اینک می توان در مسجد سرکوجه محمدیه نزدیک نائین دید، این مسجد دواطاق باریک و بلند دارد که قسمت جلو آن مردانه و قسمت عقب زنانه است و موازی بامحراب در دیوار طولی مسجد برپا شده، یعنی دهانه عمود بر قله نیست، موازی باد یوارمحراب است و یک دهانه دیگر پشت آن است که مربوط به قسمت زنان است و سقف بدلیل دهانه کم خیلی راحت بسته می شده است.

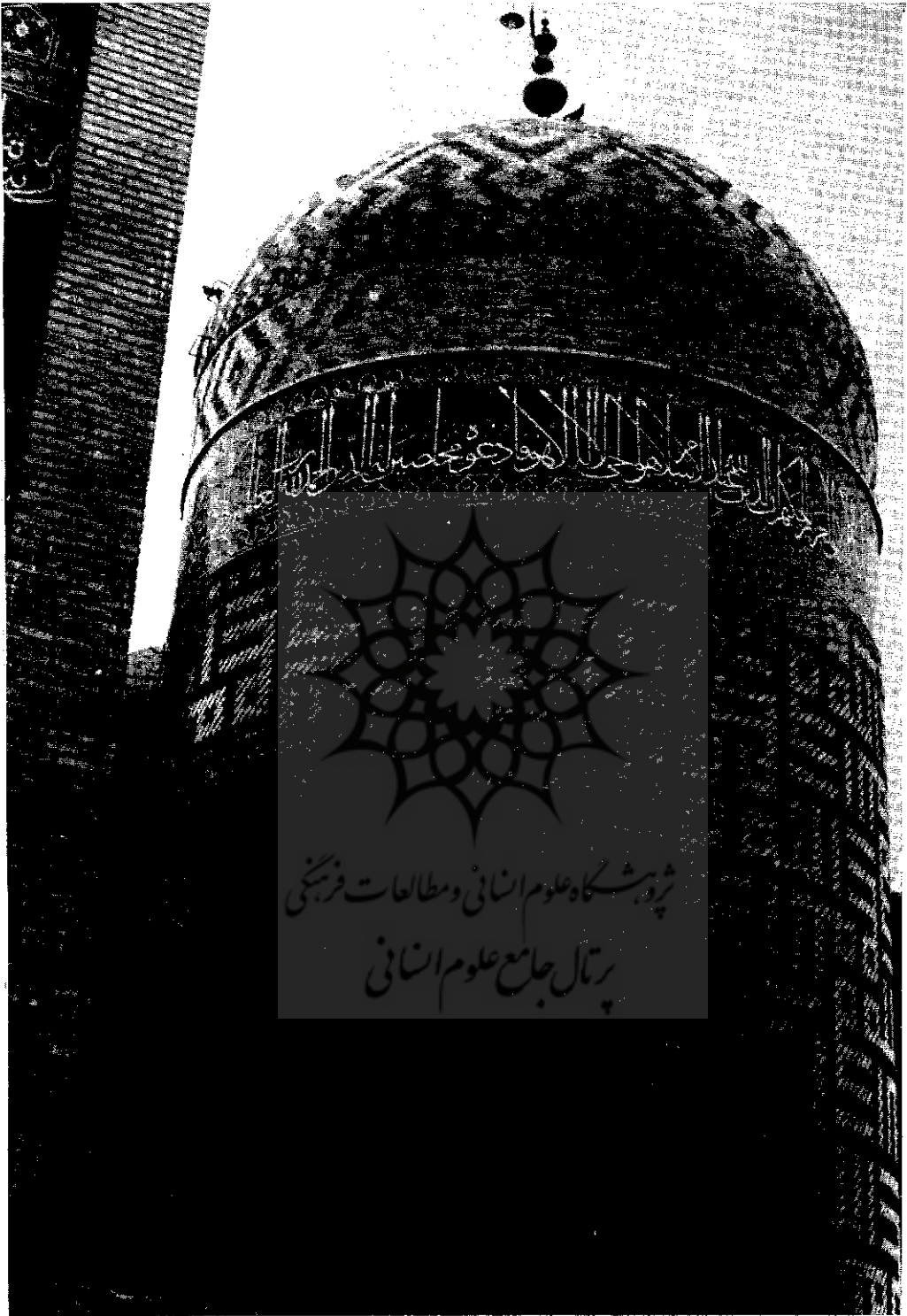
در بنای «تنیسی» اطاقها از سقف نورمی گیرند و یا از ارتفاع بالای دیوارها، این شیوه نیز در معماری مساجد ایران رایج گردید، بطور مثال در مسجد جامع یزد دو طرف گنبد سیدرکن الدین و ایوان جلو آن دو جماعت خانه به آن اضافه کردند، بعد از بنای جماعت خانه ها دو تنمی بلند و کشیده موازی با ایوان ساخته شد در طرفین جماعت خانه ها که بعداً وصل به گنبد شده که ترکیب بسیار زیبایی پیدا کرده، با آنکه بنای این تنمی ها مربوط به زمانهای بعد از بنای مسجداست، تلفیق بسیاری زیبایی ایجاد شده است.

مساجد اسلامی ایران مالا مال از هنر و ابتکار است، بویژه در زمینه تلفیق بناهایی که در دوران مختلف به آن اضافه گردیده، بطور مثال در مسجد جامع اصفهان با آنکه از صدر اسلام تا بحال مرتباً به بنای آن اضافه گردیده، یک مورد نامتناسب دیده نمی شود، بقدری بناها را خوب درهم تلفیق کرده اند که انسان از دیدن آن به شگفتی می افتد، تنها موردی که زشت است و به بنای مسجد لطمه وارد آورده پیش خوانی است که در زمان ما ساخته شده در بیرون مسجد آمده اند بابتون آرمه چیزی ساخته اند با طاقهای دروغین که اصلاً متناسب بنای مسجد کهنی مثل جامع اصفهان نیست، دلیل آن هم واضح است، در گذشته از سرخلوص و برای رضای خدا تلاشی انجام می گرفت، اما زمان ما این مساله نبوده، تنها برای اینکه کاری کرده باشند، این ناهماهنگی را بوجود آورده اند. پیش تر یک بنا، یک معمار که در مسجد کار می کرد، تمام نیرو و استعداد و ایمانش را بکار می برد، دنبال پول و تقاضا نبود، می خواست برای آخرت خود توشه ای فراهم

آورد، پس هنرش را با خلوص و ایمان در مسجد به نمایش می گذاشت.

در زمانهای بعد مساجد دوابوانی متحول شد، بدین ترتیب که از دهانه شرقی و غربی دوسه دهانه برداشتند و به جایش دوابوان بزرگ بادوراهرو بنا کردند، مثل مسجد جامع اصفهان که دوابوان شرقی و غربی استاد و شاگرد را به این ترتیب اضافه کردند، که هنوز پایه های مسجد قدیمی شبستان یکنواخت در ایوانها موجود است. یامثلاً مسجد جامع ساوه که یک طرف آن گنبد است بایک ایوان بزرگ دست راست وقتی وارد می شوی یک ایوان بزرگ سر پوشیده دیگر بدون گنبد بنا شده این مسجد دوابوانی است، بنابراین هیچ دلیل خاصی در دست نیست که حتماً در دورانی مساجد چهار ایوانی شده اند، هیچ کدام از مساجد اسلامی ایران در آغاز چهار ایوانی نبوده اند، در معماری مساجد ایران اساس نیاز ابتکار بوده مادر ایران مسجدی هم داریم مثل مسجد ترکان در یزد. که اصلاً چهار صفاست، مثل خانه های چهار صفا ای، چهار ایوان در چهار طرف، بامحوظه ای در وسط که یک نیم گنبد دارد که وسط آن سوراخ است، حیاطی که نصف آن پوشیده است، و اینهم طرحی قدیمی و ابتکاری است که وارد بنای مساجد می شود، که نمونه این طرح را هم بسیاری در دارستان در اطراف اصفهان و از این نمونه مساجد سیرو به تفصیل در کتابش یاد کرده است.

حیاط و شبستان که اجزای اصلی تشکیل دهنده مسجد بودند، اگر در مواردی، امکان ایجاد صحن نبود، پشت بام را مسطح می کردند و به جای صحن از آن استفاده می کردند برای شب های تابستان و یاروزه های آفتابی زمستان، مثل مسجد ملا عبدالخالق یزد که مسجدی تنبی است، یک شبستان تنبی بلند دارد که طرفین آن صفا ها و غرفه ها بنا شده اند و پائین آن مردانه و بالای آن زنانه است و طرح بسیار زیبایی دارد، این مسجد در قرن ششم در زمان اتابک یزد ساخته می شود و بعد در زمان زندیه ملا عبدالخالق نامی با حفظ امانت کامل این مسجد را تعمیر می کند بدون آنکه لطمه ای به



بافت اصلی مسجد وارد آورد، این مسجد واقعاً زیباست، بویژه از لحاظ کاربندی سقفها، سقف مسجد مسطح است، با وجودی که دهانه بسیار بزرگی در وسط بنا شده، به نسبت غرفه‌های طرفین که کوچک است زمینه اصلی تشکیل شده است، در این مسجد چون صحن وجود نداشته و یا اگر صحن داشته از میان رفته و به کوچه تبدیل شده، آمده‌اند پشت بام مسجد را مسطح کرده‌اند و بصورت صحن از آن استفاده می‌کنند.

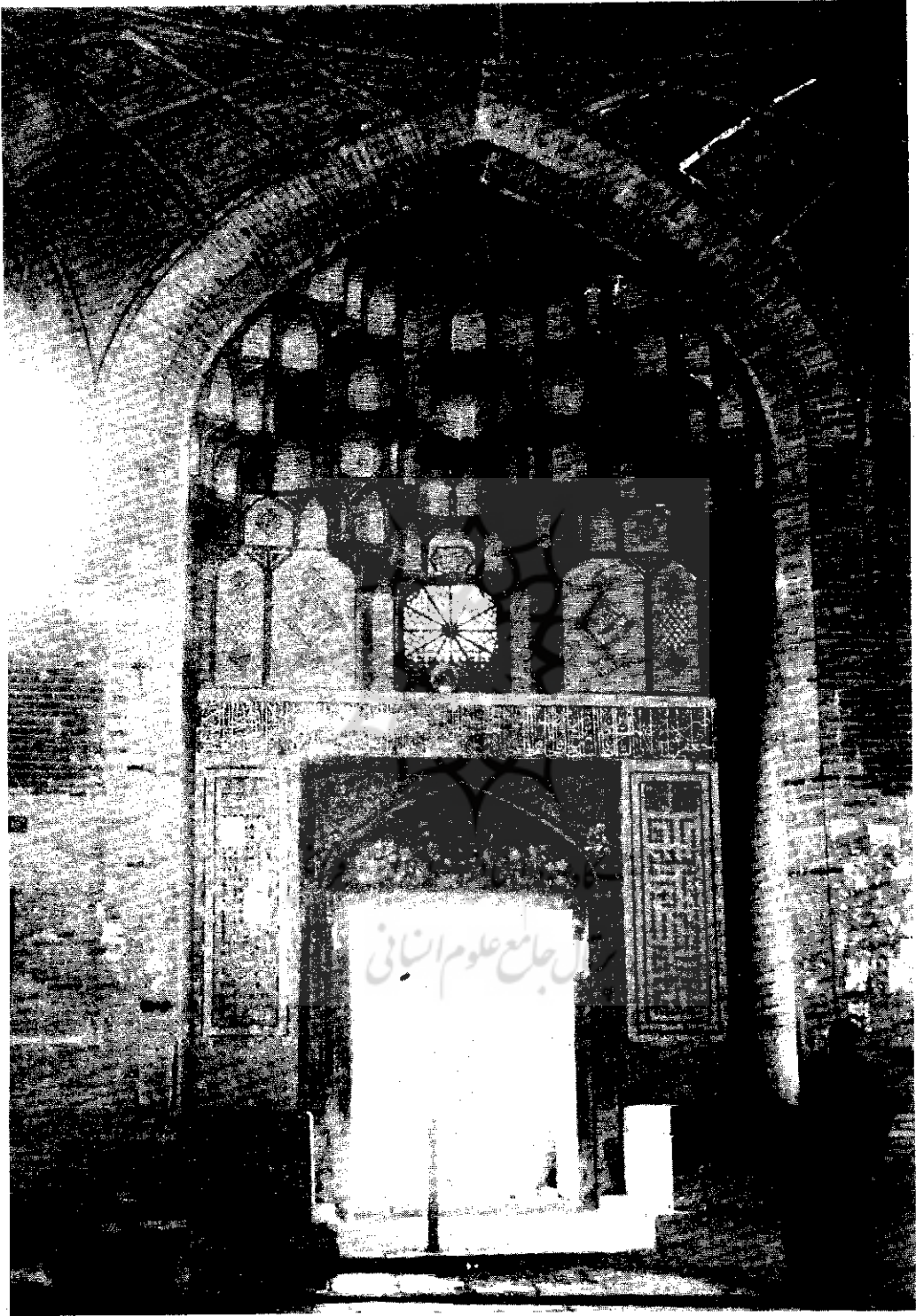
بنای شبستان‌های باز و آزاد چونان مساجد صدر اسلام از شیوه‌های اصیل معماری مساجد این سرزمین است، حتی در مناطق سرد مثل همدان و تبریز، این شبستان‌ها آزاد بود که همه می‌توانستند از هر طرف به مسجد وارد شوند، در و پنجره نداشت و اغلب دارای پنج الی شش ورودی و خروجی بوده مثل جامع نائین که حیاط آن کوچک تر از امروز بوده، مشاهده می‌شود که دارای شش در بوده، دودرطرف غربی دودرطرف شرق که حالا بسته شده دودرطرف شمال. و یا مسجد جامع اصفهان که دارای هفت الی هشت در بوده، حتی کنار گنبدها در بوده که بعداً بسته شده، نداشتن در و پنجره، بیشتر بدین دلیل بوده که مسجد همه زندگی مردم بوده، مسجد تنها برای نماز مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، قضاوت، کارهای اجتماعی، همه در مسجد انجام می‌یافت، پس مسجد نمی‌توانست بسته باشد، مکان همگانی بود.

در معماری مساجد ایران بعدها عناصر تازه‌ای وارد شدند یکی به اسم گرمخانه، یعنی برپائی شبستان‌های ستون دار اما بادخانه‌های بسته، که مخصوص زمستان بود.

دیگری وضوخانه، وضوخانه‌ها پیش‌تر در پرستشگاه‌ها به اسم «پت سیاو» و «پادیاو» مشهور بود که جماعت خودشان را در آنجا تمیز می‌کردند، همانی که بعدها توسط معماران مسلمان ایرانی به اسپانیوسایر نقاط دنیارفت و بناهای «پاسیو» «پاشچا» مشهور گردید از نمونه‌های خوب آن باید از تپه ورامین یاد کرد که برخلاف پاره‌ای که معتقدند آتشکده بوده یک معبد

مهری است که جلو آن پادیاو دارد که دارای حوض یا جوی روانی بوده، چون در مناطق کویری آب روان نبوده، زمین را تابدانجا می‌کنند که آب بصورت یک جوی سرباز در می‌آمده، اطراف آنرا درخت می‌کاشتند و بصورت گودال باغچه می‌شده است، حتی در جاهائی که احتیاج به ایجاد گودال نبود و آب روی زمین بود، باز هم کمی زمین را گود می‌کردند که منظره ایوان و ساختمان را سد نکند، در آنجا مردم دست رومی شستند، غرفه‌هایی بود که لباس سفید خود را در آنجا می‌پوشیدند و وارد پرستشگاه می‌شدند، همانند این پادیاوها بعداً وارد مساجد شد، از آن جمله در مسجد جامع یزد، جلومنار و سردر این مسجد گودال باغچه‌ای بود که در پائین آن آب می‌گذاشت و حوضی داشت که بعداً روی آن بسته شد، مرحوم وزیر وقت مسجد را تعمیر می‌کرد روی آنرا پوشانید که حالا بصورت انبار درآمده و یاد مسجد ملک کرمان که چنین مکانی وجود داشته و بعداً آنرا پوشانیده‌اند و باز در مسجد جامع کرمان که در حفاری‌ها چنین مکانی پیدا شد. در بعضی از مساجد این وضوخانه‌ها بصورت حوضخانه بوده است که اغلب هم از دو مکان تشکیل می‌شده، زنانه و مردانه مثل مسجد جامع قزوین و یاد مسجد جامع سمنان که حوضخانه‌ای دارد با چهار ستون در چهار طرف آن و سقف عموماً باز است و اطرافش می‌آمدند و وضو می‌گرفتند. در بعضی از مساجد حوضخانه داخل مسجد و در وسط مسجد بنا می‌شده است که نمونه‌های زیادی دارد، همانند مسجد سمنان و یا مسجد بروجرد که وضوخانه در وسط مسجد بنا شده، که هم فضای مسجد را مرطوب می‌کرده و هم زیبا بوده و هم برای گرفتن وضو از آن استفاده می‌شده و یا مسجد جامع ورامین که حوضی در وسط دارد و یک حوض جلو سردر که البته هر دو حوض کوچک هستند.

علاوه بر اینها باید سایه بانهای مساجد را مطرح کرد که در یک طبقه و یا دو طبقه پیرامون مسجد و یاد فاصله ایوان‌ها بر پا می‌شده که گاه بصورت رواق باهم راه پیدا می‌کردند. وزمانی فقط بصورت سرسایه بوده که زیر آن می‌نشستند و باهم بحث می‌کردند و یا زیر آن نماز



می خواندند که سابقه کهن دارد و در مسجد فهرج و تباری خانه دامغان هم می توان این سایه بانها را مشاهده کرد.

در زمانهای بعد کتابخانه نیز به مسجد اضافه شد همراه با اطاق خادم و یا خانه امام مسجد، خانه امام مسجد عموماً خانه کوچکی بود که یادر پشت بام مسجد بنا می کردند و یادربطبه هم کف.

از عمده ترین ویژگی های مساجد اسلامی ایران باید از شیوه «جفت» یاد کرد معماران مسلمان ایران برای آنکه معماری مساجد سنگین باشد، چه در مساجه ایوان چه مساجد گنبدی، چه شبستانی شیوه جفت قرینه کامل را رعایت می کردند، تا کسی که به مسجد وارد می شود تنها نگاهش به یک نقطه معطوف شود، محراب، این شیوه نه تنها در مسجد حتی در اماکنی که می خواستند تشریفات سنگین برگزار کنند رعایت می شد، برخلاف منازل مسکونی که سعی می کردند با جفت باشد، یعنی متنوع باشد، بطور مثال در کاخ سروستان فارس وسط یک گنبد بنا شده، در یک طرف اطاقی مربع شکل، طرف دیگر اطاقی بسیار کشیده که سفره خانه است، نهار خوری است، یک طرف ایوان دارد، یک طرف حوضخانه است، یک طرف سربایه دارد، دارای دواطاق خواب است که هر کدام جای خواب معینی دارد، برای یک نفر، دونفر، حمام دارد، حتی تعجب آور است مستراح که عموماً درواز ساختمان بنا می شده در داخل ساختمان بنا شده یک آبدارخانه دارد که راه پیدا می کند به آشپزخانه، نمونه این بنا در چهلستون قزوین مشاهده می شود که اینک موزه است، با آنکه بنا از بیرون قرینه کامل است ولی داخل بنا تنوع بسیار دارد، یک تنبی کشیده و دراز دارد بادوازده در در وسط، چهار گوشه اش، چهار اطاق است که هم از لحاظ ابعاد متفاوت است وهم از نظر شکل، یک اطاق مربع است دو گز و چارک در سه گز و چارک که دارای پله است، یک اطاق هشت گوش است سه گز در سه گز، اطاق دیگر نیم هشت است دو گز و نیم در سه گز و نیم، اطاق دیگر گوشه بیخ است که فقط گوشه اش بیخ است چهار گز و چارک کم در سه گز و چارک، سعی

شده است همه اطاقها متفاوت باشد، خستگی ایجاد نکند، در طبقه دوم این بنا باز اطاقها متفاوت می شود.

امادرمساحد این تنوع آگاهانه از میان رفته، اگر دارای تنبی است حتماً دو تنبی نباشد، اگر جماعت - خانه دارد جفت نباشد و بسیار نمونه های دیگر اما اینکه گاه بامسجدی مثل مسجد جامع اصفهان روبرو می شویم که متنوع است این دیگر مربوط به الحاقات دوران مختلف در این بنامی شود چرا که در اول این مسجد نیز یک مسجد شبستان ساده بوده است و یابنای اولیه مسجد جامع یزد زمان ابومسلم که ساده بوده است، با این همه حتی در مساجدی که تنوع یافت می شود اصل قرینه تا حدودی رعایت شده، بطور مثال در مسجد جامع یزد یزد در قرن هشتم سیدرکن الدین یک گنبد و ایوان بنا می کند بادور راهرو و حیاطی در وسط به شکل مربع، پسرش بعد از او در این مسجد جماعت خانه ای می سازد، زمانی بعد حاکم شرع جماعت خانه دیگری بطور قرینه در کنار این جماعت خانه بنا می کند، شاه یحیی مظفری یک تنبی می سازد، شاه نظام کرمانی تنبی دیگری بنامی کند، می بینیم تغییرات هم از سرتقن نبود، قرینه و حفظ تناسب در هر زمان رعایت می شده و سعی در آن بوده که توازن را حفظ کنند، بعداً هم که مسجد بزرگ می شود، رواقها را بگونه ای قرینه می سازند، با تأسف دهانه های اصلی و سایه بانهای بلند مسجد که در بالای آنها سوره فاتح نوشته شده بود با خط محی الدین هزار اسب که دورتادور مسجد می گشته خراب شده است.

در هر حال آنچه توان گفت معماری مساجد اسلامی ایران شواهد و اسناد ارزنده ای از رشد و تعالی هنر معماری اسلامی به شمار می روند که برای شناخت این ارزشها باید تحقیقات گسترده ای انجام گیرد و کتابهای بسیاری نوشته شود.